

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال دهم - شماره یکم - بهار ۱۳۹۶ - شماره پیاپی ۳۵

کاربردهای تمثیل در اشعار ناصر خسرو قبادیانی

(ص ۲۶۷-۲۴۹)

محمدامیر مشهدی (نویسنده مسئول)^۱، محمدرضا حیدری^۲

تاریخ دریافت مقاله: بهار ۱۳۹۵

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۱۳۹۶

چکیده

ناصر خسرو قبادیانی یکی از بزرگترین شاعران ایران در طول قرن پنجم هجری است که اشعار حکمی و پند آمیزش را که به پیروی از کسایبی مروزی، شاعر قرن چهارم و در جهت مبارزه با حاکمان جبار زمانه خویش سروده، از وی چهره‌ای درخشان در تاریخ شعر و ادب فارسی بر جای نهاده است. یکی از اقسام تشبیه به اعتبار وجه شبه، تشبیه تمثیل است. تمثیل که یکی از روشهای بیان غیر مستقیم معانی و اندیشه‌های شاعر است، یکی از مباحث گسترده، پرسابقه و پرکاربرد در اشعار شاعران در دوره‌های مختلف شعر فارسی میباشد. با توجه به اهمیت این موضوع، اهل بلاغت در کتابهای بلاغی و بیانی در تعریف و تفسیر آن آرا و اظهار نظرهای مختلفی ارائه کرده‌اند. از آنجا که ناصر خسرو بعنوان یکی از شاعران صاحب سبک، نگاهی ویژه به تمثیل دارد، نمونه‌های تمثیل در دیوان اشعار وی با ژرف نگری استخراج میگردد و نمونه‌های مشابه این تمثیلات در اشعار معاصرانش مثل فرّخی، مسعود سعد، فخرالدین اسعد گرگانی، اسدی طوسی و... ذکر میشود تا در پایان بتوان از این طریق به میزان نبوغ شاعر در بهره‌گیری از کاربردهای مختلف تمثیل جهت محسوس نمودن اشعارش پی برد و دریافت که تمثیلات ناصر خسرو در مقایسه با معاصران وی، عمدتاً از قریحه و معلومات شعری ناصر خسرو و بینش مذهبی او نشأت گرفته‌اند و جلوه بهتری در اشعارش دارند.

کلمات کلیدی: شعر قرن پنجم هجری، ناصر خسرو قبادیانی و معاصران، تشبیه، تمثیل (ارسال المثل).

۱- mohammadamirmashhadi@yahoo.com

۱- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان mreza.heydari68@gmail.com

مقدمه

ادبیات فارسی در طول تاریخ همواره دو مقوله را با خود به همراه داشته است که عبارتند از: نظم و نثر. نظم یا شعر معمولاً بیشتر از نثر به صورخیال از قبیل تشبیه، استعاره و... آمیخته است و از این راه می‌تواند بر روح و روان مخاطب تأثیر گذاشته و بر دلش بنشیند. امروزه ادبیات نه صرفاً از جنبه زیبا شناسی و هنری آن، بلکه میتواند بعنوان مفسر و نمایانگر دنیای اطراف زندگی ادیبان و صاحبان ذوق مورد عنایت قرار میگیرد. بنابراین مطالعه اشعاری که در مضامین حکمی سروده شده اند نه تنها ما را با عواطف و اندیشه شاعران بزرگی چون ناصرخسرو بلکه با جلوه های فرهنگی و اجتماعی زمان و محیط اطراف آنها آشنا می‌سازد. هرگاه نامی از تشبیه بر زبان جاری گردد، بی گمان همانندی و هم‌شکلی بین دو چیز یا دو پدیده در ذهن نقش میبندد. این پژوهش بر این است که یکی از مهمترین اقسام تشبیه یعنی تمثیل را به لحاظ کاربردهای مختلف در اشعار ناصرخسرو قبادیانی مورد بررسی و تحلیل قرار دهد و نمونه های مشابه به هریک از کاربرد های تمثیل در اشعار معاصران وی از جمله فرّخی، عنصری، منوچهری، مسعود سعد، امیرمعزی، ازرقی هروی، اسدی طوسی، قطران تبریزی، ابوحنیفه اسکافی، عثمان مختاری و خیام نیشابوری ذکر خواهند شد تا بتوان از این طریق، جلوه هایی از امثال و حکم را در لابه لای اشعار این شاعر بلند آوازه نمایان ساخت و میزانی از تأثیر گذاری چنین اشعار حکیمانه و پندآمیز را بر روان مخاطب نشان داد و نمونه کاربردهای تمثیل در اشعارش در مقایسه با معاصرانی چون فرّخی، مسعود سعد، اسدی طوسی و... را با بسامدشان تحلیل نموده و رویکرد یکی از معدود شاعران اسماعیلی مذهب قرن پنجم هجری را نسبت به امثال و حکم که ناشی از قریحه شاعری و بینش مذهبی شاعر است، بیان کرد.

پیشینه و ضرورت تحقیق

با توجه به اینکه ناصرخسرو قبادیانی یکی از مشاهیر شاعران قرن پنجم هجری است و علاوه بر شاعری، یک فیلسوف، نویسنده، و مبلغ مذهب نیز محسوب می‌شود، بی‌گمان کارهای زیادی در زمینه شخصیت، طرز فکر و اندیشه، زندگی و اشعار و آثار وی انجام شده ولی پژوهشی که به بررسی کاربردهای تمثیل در اشعار ناصرخسرو در قیاس با شاعران معاصر وی به صورت تخصصی پرداخته باشد، یافت نگردید. هرچند مقاله‌ای درباره کاربردهای تمثیل در دیوان خاقانی توسط غلامرضا رحیمی و فرشته محمدزاده، استادیار دانشگاه ایلام در مجله پژوهشهای ادب عرفانی اصفهان (جلد ۴ شماره ۴ صفحات ۱۱۲-۹۳) تألیف و چاپ شده است. همین عامل انگیزه ای شد تا با ژرف نگری و مذاقه بتوان رویکرد های ناصرخسرو را به بهره گیری از تمثیل برای مقاصد و کاربردهای مختلف در بین اشعارش بررسی کرده و در اختیار مخاطبان قرار دهیم.

روش تحقیق

این تحقیق بصورت کتابخانه ای و توصیفی انجام میگیرد.

کلیات این تحقیق عبارتند از:

- ۱- شعر قرن پنجم هجری ۲- تشبیه
- ۳- تمثیل (ارسال المثل)
- ۴- نمونه کاربردهای تمثیل (ارسال المثل) در دیوان اشعار ناصرخسرو.

۱. شعر قرن پنجم هجری

قرن پنجم هجری، یکی از قرون درخشان و تأثیرگذار در تاریخ شعر و ادب فارسی است که به لحاظ تاریخی مصادف با دوران فرمانروایی غزنویان می‌باشد. سلاطین غزنوی بویژه سلطان محمود و سلطان مسعود غزنوی علاقه وافری به شاعران و نویسندگان داشته‌اند. چنانکه شاعران بزرگ و بلند آوازه این قرن از قبیل ناصر خسرو قبادیانی، منوچهری دامغانی، عنصری، فرّخی سیستانی و مسعود سعد سلمان، ابوالفرج رونی، فخرالدین اسعد گرگانی، قطران تبریزی، اسدی طوسی، مختاری غزنوی و ازرقی هروی در این دوران ظهور کرده و با حمایت سلاطین غزنوی مجال خود نمایی یافته‌اند. به لحاظ ادبی، قرن پنجم قرنی است که شعر دارد به سمت و سوی غنی و پر بار شدن پیش می‌رود و دیگر خبری از اشعار کم مایه و ناموزون قرن سوم هجری نیست. سبک غالب بر شعر قرن پنجم هجری، سبک خراسانی است که حوزه و سیعی از خراسان بزرگ آن دوران شامل: بلخ، سمرقند، خوارزم، بخارا و... را در بر می‌گیرد. سبک خراسانی، سبکی است که در آن شاعران با طبیعت و محیط زندگی اطرافشان مأنوس شده‌اند.

۲. تشبیه

مهمترین مبحث از مباحث عمده علم بیان، مبحث تشبیه می‌باشد که تعاریف متعددی از آن شده ولی با وجود تعدد تعاریف همه آنها یک دیدگاه را ارائه مینمایند. کزازی در کتاب زیبا شناسی سخن پارسی (بیان) تشبیه را اینگونه شرح می‌دهد: «مانندگی یا تشبیه، مانند کردن چیزی است یا کسی به چیز یا کسی دیگر بر بنیاد پیوندی که به پندار شاعرانه در میانه آن دو میتوان یافت» (زیبا شناسی سخن پارسی، کزازی: ۴۰) شمس‌العلمای گرگانی در کتاب ابداع البدایع تشبیه را اینگونه آورده است: «مانند کردن چیزی است به چیزی در صفتی با ادوات تشبیه که در عربی کاف و کأن و مثل و در فارسی چون، همچو، گویا، گویا و... است.» (ابداع البدایع، گرگانی: ۱۲۷) پس از ارائه تعاریفی از تشبیه آنچه از تعاریف فوق استنباط میشود، این است که تشبیه در واقع همانند کردن چیزی به چیز دیگر است بواسطه شباهتی که بین آنها وجود دارد.

۳. تمثیل (ارسال المثل)

یکی از انواع تشبیه، تمثیل است و سخنوران به یاری تشبیه تمثیل به آفرینش زمینه‌های پندارین و فضاهای شاعرانه نائل میشوند. میر جلال‌الدین کزازی در کتاب زیبا شناسی سخن پارسی، تمثیل، را اینگونه شرح و توضیح می‌دهد: «تمثیل گونه‌ی پرورده و گسترده‌ی تشبیه است و پرمایه‌ترین و هنریت‌ترین گونه تشبیه نیز همان می‌باشد. مانروی (وجه شبه) در تشبیه تمثیل ویژگی بر آمده از چند چیز است؛ چنانکه چندین پیوند شاعرانه در میانه دو سوی تشبیه آنگاه که باهم می‌پیوندند و در هم می‌آمیزند، وجه شبه‌ای پندارین و متعدد می‌سازند که تمثیل بر بنیاد آن ساخته می‌شود. از آنجا که پندار شاعرانه در تشبیه تمثیل گسترده است، بستر تشبیه اغلب بیش از یک بیت می‌باشد. چنانکه منوچهری می‌سراید:

شبی گیسو فروهشته به دامن پلاستین معجر و قیرینه گرز
 به کردار زنی زنگی که هرشب بزاید کودکی بلغاری آن زن
 (زیبا شناسی سخن پارسی، کزآزی: ۵۹)

« تمثیل یا ارسال المثل آن است که وجه شبه از امور متعدّد انتزاع شده باشد و دو طرف تشبیه از مجموع اشیایی حاصل شده باشد که به هیأت واحدی در آمده اند. » (صور خیال در شعر شاعران سبک خراسانی، طالبیان: ۴۷) بطور کلی در تعریف تمثیل (ارسال المثل) میتوان گفت هرگاه کلام حاوی ضرب المثلی باشد یا جنبه ضرب المثل داشته باشد، آن تمثیل است. مثلها و حکمتها از زندگی مردم پدید میاید و پیوند آن با عامه ناگسستنی است. ارسال المثل در کتاب مثلهای فارسی نوشته میرزا صادق صادقی اصفهانی در فصل هشتم اینگونه تعریف شده: «و آن عبارت است از معرفت اقوال سایره که نزدیک ظهور حادثه یا جهت تمثیل حالی به حالی ایقاع کرده باشند؛ یا غرابتی که در آن بود.» (مثلهای فارسی، صادقی، اصفهانی: ۷۲) «امین خضرای در مقدمه فرهنگ نامه امثال و حکم و ویژگیهای ارسال المثل را برشمرده و میگوید: جمع آوری مثلها آسان ولی شناخت و درک آنها نیاز به تعمق دارد و ویژگیهای آن عبارتند از: ۱- کوتاهی و کمیّت لفظ ۲- روشنی و خوبی تشبیه ۳- لفظ کنایه که این آخرین پایه بلاغت است و بالاتر از آن متصوّر نیست» (فرهنگنامه، خضرای: ۷۴) انوری در مقدمه فرهنگ امثال، تمثیل و ضرب المثل را جدا میکند و میگوید: «در کنار مثل، اغلب سخنان عبرت آمیز و شعر مثل گونه نیز بکار می رود. ولی باید دانست که آنها با مثل قرابت و تشابه دارند ولی عین مثل نیست» (فرهنگ امثال سخن، انوری: ۵۷)

« ساختار ضرب المثل بدین شکل است که ابتدا دو جمله را بدون ذکر ادات تشبیه به یکدیگر مانند کنند و مشبّه به ضرب المثل باشد. در این صورت، تشبیه مرکب (تمثیل) و مضمر است و غرض از تشبیه، تأکید مشبّه مییابد؛ چنانکه سعدی میسراید:

غم عشق آمد و غمهای دگر پاک ببرد سوز نی باید کز پای برآرد خاری
 (نگاهی تازه به بدیع، شمیس: ۱۰۰)

۴. نمونه کاربردهای تمثیل (ارسال المثل) در دیوان اشعار ناصر خسرو

مهمترین کاربردهای تمثیل در دیوان ناصر خسرو بر شش قسم میباشند که عبارتند از:

- ۱- کاربرد برای اثبات یک حکم
- ۲- کاربرد برای پندواندازدن
- ۳- کاربرد برای تحذیر از کاری
- ۴- کاربرد برای ترغیب و تشویق به کاری
- ۵- کاربرد برای ترویج یک عقیده یا سنت عامیانه
- ۶- کاربرد برای طلب کردن

۴.۱. نمونه های کاربرد تمثیل در اشعار ناصر خسرو برای اثبات یک حکم

در این کاربرد تمثیل جهت اثبات یک حکم در نظر گرفته شده است؛ یعنی یک حکم کلی در نظر گرفته میشود، سپس شاعر برای اثبات آن حکم یک تمثیل را انتخاب کرده و در آن بیت بکار میگیرد.

سَخَن پيش سَخندان گو، از پرا سرت باید نخست آنگاه دستار
 (دیوان ناصر خسرو: ۱۸)

مصراع اوّل این بیت یاد آور تعبیر زیبایی « مستمع صاحب سخن را بر سر ذوق میاورد » است. سرت باید نخست آنگاه دستار معادل با این تعبیر است که همیشه در هرکاری اصل بفرع اولویت دارد و باید در هرکاری تناسبات را رعایت نمود. نمونه مشابه در اشعار معاصران ناصر خسرو پیدا نشد تخم اگر جو بود جو آرد بر بچه سنجاب زاید از سنجاب (همان: ۲۹)

بیت فوق میتواند معادل باشد با این تعبیر که از هر چیزی باید متناسب با قابلیت ذاتیش انتظار داشت. مثلاً نمیتوان دانه گندم را کاشت و از آن انتظار برداشت جو را کرد. ابیات معادل با این بیت در اشعار معاصران ناصر خسرو در منظومه ویس ورامین فخرالدین مشاهده شد؛ چنانکه میسراید: نباشد مار را بچه به جز مار نیارد شاخ بد جز تخم بد بار (ویس ورامین: ۱۲۸)

درخت تلخ هم تلخ آورد بر اگرچه ما دهیمش آب شکر (همان: ۱۴۲)

طمع چون کردی از گمره دلیلی؟ نروید هرگز از پولاد شمشاد (دیوان ناصر خسرو: ۶۱)

بیت فوق معادل است با اینکه انسان از آدم نابینا تقاضای نشان دادن راه نماید که کاری عبث و غیرممکن است. نمونه ی مشابه این بیت در شعر معاصران ناصر خسرو پیدا نشد.

خیره میازمای مراین آزموده را کزریگ ناسرشت خردمند را خمیر (دیوان ناصر خسرو: ۱۰۳)

شاید مصراع دوم این بیت اشاره‌ای به ماجرای حضرت ابراهیم داشته باشد که در دفتر دوم مثنوی در ضمن یکی از داستانها بیان شده که دانه های ریگ که از صحرا بسوی خانه میرسد، در خانه تبدیل به دانه های گندم شدند و ناصر خسرو این قضیه را احتمالاً مدّ نظر داشته است. مصراع اوّل معادل با ضرب المثل آزموده را آزمودن خطاست که مشابه آن را میتوان در تعبیر آدم عاقل دوبار از یک سوراخ گزیده نمیشود، مشاهده کرد. مصراع دوم از ریگ خمیر نیاید معادل با این تعبیر است که هر چیزی قابلیت جداگانه ای دارد و در حیطة سرشت خود عمل میکند. نمونه های مشابه آن در شعر معاصران ناصر خسرو پیدا نشد.

زنیکی به نیکی رسد مرد ازان که هرکس که او گل کند گل خورد (همان: ۲۷۴)

هر کس بخواهد تن آسانی و تنبلی را پیشه کند و از انجام وظایفش امتناع کند، چیزی پست را به دست میاورد نه عالی. بیت فوق معادل است با تعبیر هرچه را بکاری همان را درو میکنی؛ یعنی

هرکس نتیجهٔ عملش را متناسب با کاری که انجام داده خواهد دید. نمونهٔ مشابه این بیت در دیوان ابوالفرج رونی دیده میشود؛ چنانکه میسراید:

از هر که دهد پند شنودن باید با هرکه بود رفق نمودن باید
بد کاشتن و نیک درودن ناید زیرا که همه کشته درودن باید

(دیوان ابوالفرج: ۱۵۲)

بد به تن خویش چو خود کرده ای باید خوردنت ز کشتارِ خویش
(دیوان ناصر خسرو: ۱۷۷)

بیت فوق اشاره به آیهٔ «الذّیّا مزرعةُ الآخرّة» دارد. جنبهٔ تأثیر گذاری بیت در این است که انسان مفسد و بدکار هیچگاه نمیتواند از زشتی و بدیهای عمل خویش مبرا باشد و نمونه‌های آن را میتوان از مضمون برخی آیات قرآن هم دریافت. بیت فوق معادل با تعبیر از مکافات عمل غافل مشو، یعنی هرکس در آخرت باید جوابگوی عمل و کردار خویش باشد. ابیات مشابه در اشعار دیگر شاعران معاصر او هم مشاهده شد؛ چنانکه اسدی طوسی در گرشاسب نامه میگوید:

چو از تو بود کژی و بیرهی گناه او بر چرخ چون نهی
(گرشاسب نامه: ۱۲۷)

امیر معزی میگوید:

همه ز کرده پشیمان شدند و درمثل است کسبیکه بد کند از بد همی برد کیفر
(دیوان امیر معزی: ۹۵)

فخرالدین گرگانی در منظومه ویس و رامین میگوید:

مکن بد با کسی و بد میندیش کجا چون بد کنی بد آیدت پیش
(ویس و رامین: ۱۲۳)

خیام نیشابوری میگوید:

بدخواه کسان به هیچ مقصد نرسد یک بد نکند تا به خودش صد نرسد
من نیک تو خواهم و تو خواهی بد من تو نیک نبینی و به من بد نرسد
(رباعیات خیام: ۸۵)

به آب روی اگر بی نان بمانم بسی زان به که خواهم نان ز دونان
به نانش چون من آب خویش بدهم چو آبم شد من آنکه چون خورم نان
(دیوان ناصر خسرو: ۳۹۰)

منظور ابیات فوق این است که انسان بلند همت و صاحب منش والا هیچگاه حاضر نمیشود آبرو و اعتبار خویش را در عوض بدست آوردن متاع بی ارزش دنیوی از دست بدهد. آب را به نان نتوان داد معادل است با این تعبیر که آبروی خویش را در عوض به دست آوردن نان نباید از دست داد و آبرو را باید حفظ کرد و آن در گروهی کسب روزی از بین نبرد. نمونه‌های مشابه در اشعار معاصران ناصر خسرو پیدا نشد.

ز راه شخص مانده است نادان مرد با دانا چنان کز دور جمع سور مانده است با ماتم
(همان: ۸۱)

منظور اینکه نمیتوان بین دانایان و نادانان به لحاظ جنبه های جسمانی تفاوت قائل شد بلکه تفاوت آنها ریشه در بینش و بصیرت آنها دارد. به سبب گردآمدن مردم، مجلس شادی و ماتم مشابه به نظر می آیند، با تعبیر اینکه در قضاوت نباید عجله کرد چه بسا که حواس پنجگانه ما دچار اشتباه شود که در این صورت سور را ماتم یا ماتم را سور تشخیص دهد. نمونه مشابه این بیت از بین معاصران ناصر خسرو در گرشاسب نامه اسدی طوسی پیدا شد؛ چنانکه میگوید:

گمانها همه راست نشمر ز دور که بس ماند از دور شیون به سور
(گرشاسب نامه: ۱۹۴)

از شاه زی فقیه چنان بود رفتنم کز بیم مار در دهن اژدها شدم
(دیوان ناصر خسرو: ۱۳۹)

از بیم مار در دهان اژدها رفتن معادل است با تعبیر از چاله درآمدن و به چاه افتادن یعنی انسان از بلایی بیرون آمده گرفتار بلایی مهلکتر و بدتر شود. نمونه های مشابه آن در اشعار معاصران ناصر خسرو پیدا نشد. جای حکیمان مطلب بی هنر زانکه نیاید ز کدو هاونی
(همان: ۴۹۹)

جنبه تعلیمی بیت دوم در این است که انسان و بویژه پادشاهان باید در انتخاب افراد جهت تصدی امور حساسیت ویژه ای به خرج دهند. از کدو هاونی نباید معادل است با این تعبیر که هر کسی را بهر کاری ساختند؛ یعنی هرکس متناسب با استعداد ذاتیش میتواند کار مربوط به خود را انجام دهد. در بین اشعار معاصران ناصر خسرو چنین نمونه ای پیدا نشد.

گرچه یزدان آفریند مادر و پستان و شیر کود کان را شیر مادر همی با ید مکید
(همان: ۵۳)

بیت فوق معادل است با تعبیر از تو حرکت از خدا برکت؛ یعنی انسان ابتدا باید در راه کسب معاش روزمره تلاش کند و بعد خداوند نظر لطف و عنایت خود را به او بیندازد تا به مقصود برسد. نمونه های مشابه در اشعار برخی معاصران ناصر خسرو دیده میشوند؛ چنانکه فخرالدین گرگانی میسراید:
به آسانی نیابی شادکامی به بی رنجی نیابی نیکنامی
(ویس ورامین: ۱۲۶)

اسدی طوسی میگوید:

به دریای ژرف آنکه جوید صدف ببایدش جان بر نهادن به کف
(گرشاسب نامه: ۱۵۲)

حسرت نکند کودک را سود به پیری هر گه که به خردی بگریزد ز دبستان
هرکس که به تابستان در سایه بخسبد خوابش نبرد گرسنه شبهای زمستان
(دیوان ناصر خسرو: ۴۸۶)

مضامین ابیات فوق در اشعار تعلیمی شاعران قبل ناصرخسرو مثل رودکی و بعد از او مثل سنایی، سعدی و مولانا تکرار شده است. ابیات فوق معادل هستند با تعابیری چون هرچه بکاری همان را درو می‌کنی یا درخت کاهلی بار ندارد؛ یعنی هرچقدر در طول زندگی تلاش کنی در آینده ای نزدیک نتیجه اش را خواهی دید ولی اگر تنبلی و سستی نمایی، جز اندوه و حسرت چیزی به تو نخواهد رسید. نمونه‌های مشابه ابیات فوق در شعر برخی معاصران ناصرخسرو دیده میشوند؛ چنانکه اسدی طوسی میسراید:

تورا چون نباشد غم کار خویش غم تو ندارد کسی از تو بیش
(گرشاسب نامه: ۱۶۵)

ابوحنیفه اسکافی میگوید:

به قاب قوسین آنرا برد خدای که او سبک شمارد در چشم خویش وحشت غار
(شاعران بی دیوان: ۱۲۸)

قطران تبریزی میگوید:

اگر خسرو فزونی جست و رنجش آمد از جستن به رنج اندر بود راحت به خار اندر بود خرما
(دیوان قطران: ۴۱)

عنصری چنین میگوید:

نه زود خفتن و از دیر خاستن هرگز نه مرد یابد ملک و نه بر ملوک ظفر
(دیوان عنصری: ۲۱۵)

آتش دادت خدای تانخوری خام نزقبل سوختن بدو سر و دستار
(دیوان ناصر خسرو: ۲۵۸)

پیام اخلاقی بیت این است که انسان باید از نعمتهای خداوند در جهتی که مورد رضایت اوست بهره ببرد نه در جهت مخالف آن. آتش برای سوختن نیست میتواند معادل با تعبیر آتش را به آتش نشانادن باشد بدین معنی که هرکس خشمگین و عصبانی است با گفتار زنده و زشت آرام نمیگیرد. در بین اشعار معاصران ناصرخسرو تنها یک نمونه در منظومه ویس و رامین فخرالدین مشابه این بیت بود که نقل میگردد.

بگرید گه گهی دل را کنم خوش تو گویی میکشم آتش به آتش
نشانم گرد هجران را به گردی کنم درمان دردی را به دردی
(ویس و رامین: ۱۴۸)

وبال است بر مرد عمر درازش چو عمر درازش فزاید در آزش
سوی چشمه شوربختی شتابد کرا از باشد دلیل و نیازش
(دیوان ناصر خسرو: ۴۷۹)

ناصر خسرو یکی از نکات ارزشمند را در این ابیات به تصویر میکشد که حرص و طمع آدمی را گرفتار بلاهای مهلک میکند چنانچه مولانا این مسأله را به خوبی در مثنوی تشریح کرده است. وبال است بر مرد عمر دراز معادل است با تعبیر زیبای شعر صائب تبریزی بدین مضمون که «آدمی پیر که شد حرص جوان می گردد»؛ یعنی انسان در هنگام پیری در پی انجام کارهای جوانان میفتد که امری ناپسند است. نمونه مشابه این بیت در شعر معاصران ناصر خسرو دیده نشد.

از من آمدبند بر من همچنانک پای بند گوسـ فند از گوسـ پند
(همان: ۴۳۴)

پیام بیت این میا شد که گرفتاریها و مشکلات انسان در دنیا پیامد اعمال نادرست وی است. بیت فوق معادل است با تعبیر از ماست که برماست یا کرم درخت از خود درخت است؛ یعنی هر کس نتیجه هر بدی یا خوبی را که انجام دهد خواهد دید و نتیجه اش فقط به خودش میرسد. ابیات معادل آن در شعر شاعران معاصر ناصر خسرو هم مشاهده شد؛ چنانکه ابو الفرج رونی میگوید:

آری بخورد زنگ همی آهن را هر چند که زنگ هم ز آهن خیزد
(دیوان ابو الفرج: ۳۸)

مسعود سعد میگوید:

گله از هیچ کس نباید کرد کز تن ماست آنچه برتن ماست
(دیوان مسعود سعد: ۴۲)

ابو حنیفه اسکافی میگوید:

از ما بر ماست چون نگاه کنی نیک در تبر و در درخت و آهن و سوهان
(شاعران بی دیوان: ۴۲۹)

خیام نیشابوری در یکی از رباعیات خود میگوید:

آبادی میخانه ز ویرانی ماست جمعیت کفر از پریشانی ماست
اسلام به ذات خود ندارد عیبی عیبی که در اوست از مسلمانی ماست
(رباعیات خیام: ۷۲)

در پایان این کاربرد مشخص میشود که ناصر خسرو تمثیلات بهتر و هنرمندانه تری نسبت به معاصرانش در اشعارش بکار میبرد و بسامد آنها نیز در دیوان او نسبت به اشعار معاصرانش بالاتر است که شاید بدلیل جهانبینی ناصر خسرو و نگرش ویژه او به مسائل حکیمانه باشد.

۴.۲. نمونه کاربرد های تمثیل در اشعار ناصر خسرو برای پندواندرز دادن

در این کاربرد شاعر تمثیل را جهت پندواندرز دادن به مخاطبان عرضه میکند؛ یعنی شاعر امری را به عنوان تمثیل در قالب بیت گنجانده و هدفش اندرز دادن و عبرت گرفتن مخاطب است.

کوتوشه و کو رهبرت ای رفته چهل سال چون آب سوی جوی زبالاسوی محشر
(دیوان ناصر خسرو: ۱۳۲)

بیت فوق بر لزوم داشتن یک راهنمای مجرب تأکید دارد تا بتواند فرد را به مراتب والا برساند. آب سوی جوی آمدن معادل با این تعبیر که آب گودال را پیدا میکند و به جایگاه میرسد. نمونه مشابهی در شعر معاصر ناصر خسرو پیدا نشد.

کسی کاوبامن اندر علم و حکمت همبری جوید همی خواهد که گل بر آفتاب روشن انداید
(همان: ۴۰)

این بیت از نمونه های خوب مفاخره شاعران در ادب فارسی است. آفتاب روشن را به گل اندودن معادل است با کار بیهوده و غیرممکن انجام دادن. نمونه های این مورد در اشعار برخی شاعران معاصر وی هم مشاهده شد؛ چنانکه قطران تبریزی میگوید:

به گل گویند نتوان پنهان ماه تابان را تواندر غالیه خورشید تابان را نپنهان کردی
(دیوان قطران تبریزی: ۲۲۸)

فخرالدین گرگانی در منظومه ویس ورامین چنین میسراید:

به خواهش باد را نتوان گرفتن فروغ حور به گل نتوان نهفتن
(ویس ورامین: ۱۵۷)

اسدی طوسی میگوید:

چنین داد پاسخ بت دل گسل که خورشید پوشیده خواهی به گل
(گرشاسب نامه: ۹۴)

ازرقی هروی میگوید:

زیر خر بسته تو صورت تو آفتابی به که گل اندوده است
(دیوان ازرقی: ۱۳۷)

دنیای دور کرد ز دین، وین مثل تراست کز شعر بازداشت تراجستن شعیر
(دیوان ناصر خسرو: ۱۰۳)

مصراع دوم بیت فوق معادل است با تعبیر عربی «شَعَلْنِي الشَّعِيرُ مِنَ الشَّعْرِ» یعنی پرداختن به چیزی حقیر تو را از پرداختن به امری متعالی بازداشت. این تعبیر در دیوان حافظ و همچنین کتاب تاریخ جهانگشا با همین مضمون دیده میشود.

بدان خود را میان انجمن جای مکش بیش از گلیم خویش تن پای
(همان: ۱۵۷)

پا از گلیم خود برون نهادن یکی از امثال رایج در ادب فارسی است که سابقه آن را میتوان در متون قرن سوم هجری هم مشاهده کرد. از گلیم خود پا بیرون نهادن معادل است با تعبیر به حق خود قانع نبودن و زیاده خواه بودن در کاری میباشد. معادل این بیت در اشعار دیگر شاعران معاصر ناصر خسرو هم دیده میشود؛ چنانکه مسعود سعد میگوید:

آهنم بی خلاف زانکه همی در دل خویش پرورم دشمن
به حقیقت چراغ را بکشد آن را از حد برون رود روغن
(دیوان مسعود سعد: ۱۵۲)

اسدی طوسی در گرشاسب نامه میگوید :

مجوی آنچت آرد سرانجام بیم مکش پای از اندازه بیش از گلیم
(گرشاسب نامه: ۹۵)

از بیوفا وفا به غنیمت شمار ازانک یک قطره آب نادره باشد زچشم کور
(دیوان ناصرخسر: ۳۴۹)

این بیت یکی از نابترین ابیات در باب پند دادن در اشعار ناصر خسروست که تأکید دارد وفا را باید از اصلش جست. بیت فوق حاوی یک تمثیل هنرمندانه است که معادل آن را میتوان در تعبیر از بخیل یک سکه هم غنیمت است، یافت. نمونه مشابه در شعر معاصران ناصر خسرو پیدا نشد.

دل از بیهوده خالی کن خودرا به دستۀ سیردرخوش نیست سوسن
(دیوان ناصر خسرو: ۳۹۹)

ناصر خسرو از مخاطبش میخواهد که خود را اسیر سخنان بی ارزش نکند و همواره در پی بهترینها باشد. مصراع دوم بیت فوق حاوی یک تمثیل است که معادل آن را میتوان در تعبیر در جمع جاهلان جای فرد عالم نیست، یافت. نمونه مشابه در شعر معاصران ناصر خسرو پیدا نشد.

نیندیشم ازکسی که به نادانی با من ز رسن به کینه کشان دارد
ابرسویه را به هوا اندر ازغلغل سگان چه زیان دارد؟
(همان: ۵۲۹)

مصراع دوم بیت یکی از تعابیر رایج در میان شاعران معاصر ناصر خسرو بوده که شاید وی از همانها تأثیر پذیرفته باشد. «تعبیر ابر از غلغل سگان چه زیان دارد معادل است با تعبیر «آواز سگان کم نکند رزق گذارا» و «از عرعر خر کسی نرنجد» و «از لب سگ دریا نجس نمی شود»؛ یعنی از سرزنش و بدگویی انسان های پست و فرومایه هیچ آسیبی به انسان های بلندنظر و آزاده نمیرسد.» (امثال و حکم، دهخدا: ۱۲۸-۱۲۷) نمونه های مشابه این بیت در اشعار معاصران ناصر خسرو دیده نشد. در پایان این کاربرد میتوان دریافت که نمونه های تمثیل برای پند و اندرز در اشعار ناصر خسرو نسبت به این کاربرد در اشعار معاصرانش برتری محسوسی دارند که بیانگر نبوغ ذاتی ناصر خسرو در مقایسه با معاصرانش در مسائل پند و اندرز میباشد.

۴.۳. نمونه کاربرد های تمثیل در اشعار ناصر خسرو برای تحذیر از کاری

در این کاربرد، شاعر تمثیل را برای بازداشتن و دور کردن مخاطب خویش از کاری که ناپسندست و جلوه منفی دارد، بکار میگیرد.

درکارهای دینی و دنیایی جز همچنان مباش که بنمایی
زنهار تا به سیرت طراران ارزن نموده ریگ نپیمایی
(دیوان ناصرخسر: ۷)

در باور شاعر انسان نباید شخصیتی دور و منافق داشته باشد و بخواهد جای خوب و بد را تغییر دهد. ارزن نما و ریگ پیما معادل است با تعبیر گندم نمای جو فروش؛ یعنی کسی که شخصیتی منافق و دو رنگ دارد. نمونه های مشابه این بیت در اشعار معاصران ناصر خسرو پیدا نشد.

باک نداری که در این ره به زرق کِه بفروشی بَدَلِ زعفران
(همان: ۱۴)

آنچه از تمثیل در بیت فوق قابل درک می باشد، هم رنگ بودن کاه و زعفران است که زرد رنگ هستند. «کِه» فروختن بَدَلِ «زعفران» معادل است با این تعبیر که انسان نیرنگ باز باشد و چیز بی ارزش را به بهای چیز ارزشمند بفروشد. نمونه مشابه در شعر معاصران ناصر خسرو پیدا نشد.

چرا خامش نباشی چون ندا نی؟ برهنه چون کنی عورت به بازار؟
(دیوان ناصر خسرو: ۱۸)

یکی از دستورات مرشدان به سالکان، توصیه به سکوت است و این نکته در چند جا در کتاب مثنوی معنوی ذکر شده است، چنانچه گفته اند: الْأَصْمْتُ كَالْحَوْتِ. یعنی خاموش و ساکت بودن میدان مثل ماهی که هرگز حرف نمی زند. مصراع دوم بیت فوق معادل با این تعبیر است که انسان کاری بسیار ناپسند را آشکارا در میان جمع انجام دهد یا از روی عمد کاری را انجام دهد که مورد سرزنش و استهزاء دیگران قرار بگیرد. نمونه مشابه در شعر معاصران پیدا نشد.

پزشکی چون کنی دعوی که هرگز نیابد راحت از بیمار، بیمار
(همان: ۱۸)

بیت فوق معادل است با تعبیر اگر بیل زنی باغچه خودت را بیل بزنی یا تعبیر «کل اگر طبیب بودی، سرخود دوا نمودی»؛ یعنی اگر طبیبی سرکل خود را دوا کن و اگر واقعا اهل عمل هستی، ابتدا سعی کن کردار خویش را اصلاح کنی و کار خودت را انجام بدهی. ناصر خسرو در جاهای دیگر میگوید:

بام کسان را چه عمارت کنی چونکه نبندی بِنِ دیوار خویش
(همان: ۱۷۷)

چونکه نشویی سلب چرب خویش گرتو چنین سخت و سره گازی
(همان: ۵۵)

نمونه های مشابه در شعر معاصران ناصر خسرو پیدا نشد.

مارفسای ارچه فسو نگر بود کشته شود عاقبت ازمار خویش
(همان: ۱۷۷)

بیت فوق معادل است با تعبیر «از مارگیر مار برآرد دمار یا سبو به راه آب میسکند.» قداما معتقد بودند که مارافسای هر چند بسیار ماهر و کاردان هم باشد، سرانجام به زخم مار خود از دنیا خواهد رفت. بیت مشابه از عنصری:

زبان کینه ورش هم به زخم کینه اوست به زخم مار بودهم زبان مارافسای
(دیوان عنصری: ۷۸)

چند ناگاهان به چاه اندر فتاد آنکه او مر دیگری را چاه کند
(دیوان ناصر خسرو: ۴۳۴)

این تعبیر در اشعار بیشتر بزرگان ادب فارسی مثل سعدی هم جلوه هایی دارد. بیت فوق معادل است با ضرب المثل چاه مکن بهر کسی، اول خودت دوم کسی؛ یعنی کسی که سوء قصدی برای دیگری بخوهد، ابتدا آن سوء قصد به خودش سرایت میکند.

به مال و ملک و به اقبال دهر، غره مشو که تو هنوز ز آتش ندیده ای جز دود
(دیوان ناصر خسرو: ۳۲)

آیات قرآن و سخنان بزرگان درباره مضمون این بیت وجود دارد که انسان را از غرور کاذب بر حذر میدارد. مصراع دوم بیت فوق معادل با رنج بیهوده کشیدن و تحمل مرارت است. یک نمونه مشابه آن از معاصران ناصر خسرو در منظومه ویس و رامین پیدا شد.

به یاد آید ترا گفتار من زود کزین آتش نبینی بهره جز دود
(ویس و رامین: ۲۵۰)

در پایان به این نتیجه میرسیم که نمونه های اینگونه تمثیل در اشعار معاصران ناصر خسرو نمود چندانی ندارد و فقط در شعر کسانی چون فخرالدین اسد گرگانی میتوان نمونه هایی را یافت که این امر هم بیانگر وظیفه و تعهد دینی ناصر خسرو نسبت به امور در قیاس با معاصرانش میباشد.

۴،۴. نمونه کاربرد های تمثیل در اشعار ناصر خسرو برای ترغیب مخاطب به کاری

در این کاربرد، شاعر تمثیل را برای برانگیختن مخاطب به انجام کاری که پسندیده است و مقبولیت عام دارد، بکار میبرد.

به نرمی ظفر جوی بر خصم جاهل که که را به نرمی کند پست باران
(دیوان ناصر خسرو: ۸۵)

یکی از اصولی که شاعران حکیم و عارف مسلک در اشعارشان بدان تأکید کرده اند، ملایمت در کارهاست. بیت فوق حاوی یک تمثیل هنرمندانه است و معادل با تعبیر ملایمت در کارها مفید و نجاتبخش است، میباشد. نمونه مشابه در شعر معاصران ناصر خسرو پیدا نشد.

صبر کن بر سخن سردش زیرا کان دیو نیست آگاه هنوز ای پسر از نرخ پیاز
(همان: ۱۱۴)

از نرخ پیاز آگاه نبودن معادل است با تعبیر از نرخ لوبیا آگاه نبودن؛ یعنی در بی خبری محض بسر بردن و از اصل قضیه بی اطلاع بودن است. ناصر خسرو در جای دیگری میگوید:

نیستی آگه چه گویم مرترا من جزهمانک عامه گوید نیستی آگه زرخ لوبیا
(همان: ۱۸۵)

آن گوی مرا که دوست داری گر خلق ترا همان بگویند
زیرا که به تیرماه جوخورد هرکو به بهار جو پراکند
(همان: ۲۳)

بیت دوم ابیات فوق معادل است با تعبیر هرکس متناسب با عملی که انجام داده، نتیجه خواهد گرفت و به مقصود خود خواهد رسید. تعبیر ابیات فوق در اشعار برخی شاعران معاصر ناصر خسرو دیده میشود؛ چنانکه قطران تبریزی میسراید:

به جزنیکویی هیچ کاری نداری همان دان کجا بدروی هر چه کاری
(دیوان قطران: ۳۹)

اسدی طوسی در گرشاسب نامه میگوید:

همان خواه بیگانه و خویش را که خواهی روان و تن خویش را
(گرشاسب نامه: ۱۲۸)

منوچهری میگوید:

بد نسگالد به خلق بد نبود هرگزش و آنکه بدی کرد هست عاقبتش بر ندم
(دیوان منوچهری: ۲۵۷)

در این کاربرد به این نکته پی میبریم که این کاربرد تمثیل یعنی ترغیب مخاطب به امور پسندیده حتی در شعر ناصر خسرو هم نمونه های اندکی دارد و در میان معاصرانش میتوان نمونه هایی در اشعار قطران تبریزی و اسدی طوسی یافت.

۴,۵. نمونه کاربرد های تمثیل در اشعار ناصر خسرو برای ترویج یک عقیده یا باور عامیانه
در این کاربرد، شاعر تمثیل را برای اینکه یک عقیده یا باور عامیانه را در ذهن مخاطب خویش مجسم سازد، بکار میبرد و از این طریق مقصود ذهنی خود را بیان میکند.

مرغ که در دام پر چنه طمع افکند بخت بدآ نگاه خاردش رگ بسمل
(دیوان ناصر خسرو: ۱۳۷)

رگ بسمل خریدن مرغ معادل است با تعبیر اجزش فرا رسیده؛ یعنی مرگ او نزدیک شده است. معادل این بیت از ناصر خسرو است:

بدبرتن تو ز فعل خویش آید پس خود تن خویش را مکن بسمل
(همان: ۲۷۱)

جز تو که شنیده ست هرگز مادری کو به فرزندان نخواهد جز گزند؟
گاه داری یاخته در زیر آب زهر داری ساخته در زیر قند
(همان: ۴۳۴)

آب زیرگاه داشتن معادل است با کسی که زندگی و حشر و نشر اجتماعی خود را برپایه مکر و حيله بنا نهاده و با صورتی حق به جانب ولی سیرتی ناپسند در مقام انجام مقاصد شوم خود برآید. این افراد را به اصطلاح فریبکار میگویند و ضرر و خطر وجودی آنها از مخالف ود شمن بیشتر است. ابیات معادل این بیت در شعر معاصران ناصر خسرو تنها در دیوان ازرقی هروی دیده شد؛ چنانکه ازرقی میگوید:

آب زیر گاه شد خصمت بزن آتش در او چون بسوزد خاک او را ده به باد اعتبار
(دیوان ازرقی: ۹۸)

از بدان بد شود ز نیکان نیک داد این مایه هر که هشیار است
(دیوان ناصر خسرو: ۲۸۵)

مصراع اول بیت فوق معادل با این تعبیر است که آلو به آلو رنگ گیرد و هر که با رسوا نشیند عاقبت رسوا شود و یک بز گر گله را گر میکند. نمونه های مشابه این بیت در شعر برخی معاصران ناصر خسرو دیده میشود؛ چنانکه فخرالدین گرگانی میگوید:

تو نادانی و نشنیدی مگر آن که از بد خواه بدتر یار نادان
(ویس ورامین: ۱۴۸)

فرخی سیستانی چنین میسراید:

ای دوست به یک سخن زمن بگریزی خوی تو نبد بهر حدیثی تیزی
بد گشتی از آن که با بدان آمیزی با دیگ بمنشین که سیه برخیزی
(دیوان فرخی: ۴۴۸)

برخویشتن ار تو بیوشی آن را آن نیست به سوی خدای مبهم
از بلا فراز آمدو بدم شد از مال حرامی چه باد و چه دم
(دیوان ناصر خسرو: ۲۷۷)

اینکه مال حرام هیچ ماندگاری ندارد، در اشعار شاعران بزرگ به خوبی منعکس شده است و ناصر خسرو هم این موضوع را پرورده است. از باد آمدن به دم شدن معادل است با این تعبیر که باد آورده را باد با خود خواهدبرد و ماندگار نیست. نمونه مشابه آن در اشعار معاصران ناصر خسرو پیدا نشد.

چون مرد شور بخت شد و روز کور خشکی و دردسر کند از رو غنش
هرچ او گران بخرد ارزان شود در خنب و خنبه ریگ شود ارز نش
(همان: ۴۳۹)

وقتی بخت و اقبال از آدمی رویگردان شود، همه چیز حالت بر عکس به خود می‌گیرد. نمونه‌های مشابه ابیات در اشعار معاصران ناصر خسرو پیدا نشد.

از هر چه سبو پرکنی از سر و ز پهلوش آن چیز برون آید و بیرون دهد آغاز
(همان: ۱۶۵)

این باور عامیانه در اشعار دیگر شاعران مثل سعدی و مولانا هم نمونه‌هایی دارد. این بیت معادل با تعبیر از کوزه همان برون تراود که در اوست؛ یعنی از هر چیزی به اندازه قابلیتش باید انتظار داشت نه غیر آن. نمونه‌های این بیت در اشعار برخی معاصران ناصر خسرو دیده می‌شود؛ چنانکه عنصری می‌گوید:

فعل آلوده گوهر آلاید از خم سرکه سرکه پالاید
(دیوان عنصری: ۱۲۹)

منوچهری می‌گوید:

از جام از گدین نترابد جز از گدین از نفس او نیاید الا لطف کنی
(دیوان منوچهری: ۲۷۰)

در این کاربرد میبینیم که کاربرد فوق‌الذکر بسامد بالایی در اشعار ناصر خسرو نسبت به معاصرانش دارد که میتوان دلایل بسامد نسبتاً بالای این کاربرد در شعر ناصر خسرو را توجه به باورهای عامیانه عصر او مرتبط دانست.

۴.۶. نمونه کاربرد های تمثیل در اشعار ناصر خسرو برای طلب کردن امری

در این کاربرد، شاعر تمثیل را به گونه‌ای در شعرش بکار میبرد که از مخاطب خویش طلب انجام کاری را طلب میکند تا مقصودش را بیان نماید.

گاو رسه چو کرد می ندانی بایدت سپرد زر به زرگر
(دیوان ناصر خسرو: ۹۴)

ناصر خسرو میخواهد این مطلب را بیان کند که هر کسی را بهر کاری ساخته‌اند و اشاره به این آیه قرآنی «كُلُّ مَيْسَرٍ لِّمَا خُلِقَ لَهُ» دارد. مصراع دوم بیت فوق معادل است با تعبیر کار را به کاردان سپردن؛ یعنی اینکه هرکسی توانایی انجام کاری در حیطة علم و دانش خود را دارد. نمونه‌های مشابه در شعر معاصران ناصر خسرو پیدا نشد.

هم امروز از پشت بارت بیفگن میفگن به فردا مرابن داوری را
(همان: ۱۴۲)

بیت فوق معادل است با اینکه انسان نباید کار امروز را به فردا بسپارد و باید در اسرع وقت کار خود را انجام دهد. نمونه مشابه در شعر معاصران ناصر خسرو پیدا نشد.

پادشاهی یافتستی برنجات و برستور هرچه گویی آن کنید آن از بن دندان کنند
(همان: ۱۵۰)

اصطلاح از بن دندان معادل است با تعبیر از روی ر ضایت و رغبت کاری را انجام دادن، نهایت فرمانبرداری و اطاعت و تواضع درمقابل کاری داشتن است. نمونه های مشابه در اشعار معاصران ناصر خسرو دیده میشود؛ چنانکه فرّخی، امیرمعزّی و عثمان مختاری گویند:

همه شاهان جهان را چو همی در نگرم بندگی باید کرد از بن دندان ایدر
(دیوان فرخی: ۱۳۸)

خدمت او از میان جان کند هر بنده ای وآنکه باشد دشمنش او از بن دندان کند
(دیوان امیر معزی: ۱۷۴)

چرخ ز بن دندان از بخت برد فرمان با چرخ بزرگی ران و ز بخت بلندی بین
(دیوان عثمان مختاری: ۴۹)

در این کاربرد بسامد تمثیل در اشعار ناصر خسرو و معاصرانش نسبت به سایر کاربردها کمتر است که شاید بدلیل مضامین حکیمانه اشعار ناصرخسرو و مضامین عمدتاً محسوس معاصران وی از جمله فرّخی و فخرالدین گرگانی باشد. ابیات مذکور بعنوان نمونه هایی از کاربردهای تمثیل در دیوان اشعار ناصرخسرو قبادیانی هستند که الگوی تقسیم بندی آنها برحسب نوع و مضمون ابیات بوده است و با توجه به محتوای ابیات کاربرد های تمثیل را در شش نوع منحصر گشته و از هر کدام بهترین نمونه ها را به عنوان شاهد ذکر شده است. ابیات فوق از یک دیدگاه دیگر هم در این مقاله بررسی میشوند؛ دیدگاهی که در آن بیان میشود که ابیات مذکور هر کدام خطاب به چه قشر و به چه افرادی سروده شده اند. مهمترین خطابه های ابیات مذکور ناصر خسرو عبارتند از:

۱- خطاب به عوام ۲- خطاب به غافلان و فریفته شدگان به دنیا

۳- خطاب به حکیمان ۴- خطاب به فقیهان

۵- خطاب به عالمان زمانه و برخی علمای ظاهری

۶- خطاب به فلک و کارهای منافق وار آن و انسانهای گرفتار در آن

که این نوع طبقه بندی نیز پژوهشی مستقل را نیز میطلبد.

نتیجه

با دقت در این پژوهش میتوان به نتایج زیر دست یافت.

۱- ناصر خسرو از معدود شاعران قرن پنجم است که عقاید و دیدگاههای مذهبی خویش یعنی فرقه اسماعیلی را که یکی از فرق شیعه میباشد، باهوش و ذکاوت سرشار خود در اشعارش منعکس ساخته است و در میان مباحث عمده روزگار خویش از قبیل امور محسوس و پرداختن به مناظر طبیعی که در شعر شاعرانی چون فرّخی و منوچهری آشکارست، عمدتاً مباحث پند آمیز و حکیمانه را بصورتی عمیقتر بیان کرده تا بتواند تأثیر ویژه ای بر روان مخاطبانش گذاشته و آنها را با اندیشه

های فلسفی و عقلانی خویش تا حدودی آشنا سازد. ۲- ناصر خسرو مثل معاصرانش از جمله منوچهری، فرّخی، مسعود سعد، ازرقی هروی و عنصری به مباحث بیانی بویژه تشبیه توجه بسیاری داشته؛ چنانکه عمده مباحث معقول را با آوردن مشبّه به محسوس به خوبی ارائه کرده و توانسته حق مطلب را تا حدّ ممکن ادا کند. ۳- با توجه به بسامد ابیات استخراج شده از دیوان اشعار ناصر خسرو قبادیانی نسبت به اشعار معاصران مشهور خود همچون مسعود سعد، منوچهری، عنصری و فخرالدین گرگانی در زمینه تشبیه تمثیل و ارسال المثل و همچنین ضرب المثل‌هایی عامیانه از قبیل: تنها بودن بهتر از داشتن همنشین بد است و از کوزه همان برون تراود که درآوست و... میتوان گفت شاعر قصدش هم‌سو نمودن مضامین شعری با محیط و طرز زندگی مردمان آن روزگار بوده است چنانکه معاصرانش نیز عمدتاً چنین دیدگاهی داشته‌اند تا بتواند جلوه‌هایی از مباحث حکمت آمیز و آموزنده را با ظرافت خاصی عرضه کند و تأثیر گذاری بیشتری داشته باشد و مخاطبان را به اجرای دستورالعمل‌های حکیمانه مندرج شده در لابلای اشعارش ترغیب نماید. ۴- در بین کاربردهای ششگانه تمثیل در اشعار ناصر خسرو، بالاترین بسامد مربوط به کاربرد تمثیل جهت اثبات یک حکم است و پایینترین بسامد مربوط به کاربرد تمثیل طلب جهت انجام کاری میباشد که این خود عاملی صریح بر نگرش همه جانبه و حکیمانه ناصر خسرو بعنوان یک فیلسوف و حکیم نسبت به امور دنیوی و اخروی دنیا میباشد. ۵- عمده تمثیلات ناصر خسرو در دیوان اشعارش، برگرفته از قریحه شاعر در ساخت تمثیلات زیبا و هنرمندانه و بینش مذهبی اوست که برخی از تمثیلاتش نشانی از تلمیحات و آموزه های قرآنی شاعر دارد؛ در حالیکه معاصرانش کمتر به آموزه های قرآنی و داستانهای تاریخی توجه داشته‌اند و عمدتاً مضامین طبیعی و محیط پیرامون را مد نظر قرار داده‌اند.

منابع

۱. ابداع البدایع، گرگانی، شمس العلماء (۱۳۷۷)؛ به اهتمام حسین جعفری، چاپ اول، تبریز: انتشارات احرار.
۲. امثال و حکم، دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۳)، چاپ دوم، نشر امیر کبیر.
۳. دیوان، ازرقی هروی، ابوبکرین اسماعیل (۱۳۶۲ ق.)؛ به اهتمام فتح الله حسینی، تهران: کتابخانه مجلس.
۴. دیوان، امیر معزی نیشابوری، محمد بن عبدالملک (۱۳۱۸)؛ به اهتمام عباس اقبال، چاپ اول، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
۵. دیوان، ابوالفرج رونی (۱۳۴۷)؛ به تصحیح مهدوی دامغانی، چاپ اول، مشهد: انتشارات باستان.
۶. دیوان، عنصری بلخی، ابوالقاسم حسن (۱۳۶۳)؛ تصحیح محمد دبیرسیاقی، چاپ اول، تهران: نشر سنایی.

۷. دیوان ، فرّخی سیستانی ، علی بن جولوغ (۱۳۶۳)؛ تصحیح محمد دبیر سیاقی ، چاپ سوم ، تهران : نشر زوار .
۸. دیوان ، قطران تبریزی ، ابومنصور (۱۳۶۲)؛ از روی تصحیح مرحوم نخجوانی ، چاپ اول ، تهران : ققنوس .
۹. دیوان ، مختاری غزنوی ، عثمان (۱۳۴۱)؛ تصحیح جلال الدین همایی ، چاپ اول ، تهران : بنگاه ترجمه و کتاب .
۱۰. دیوان ، مسعود سعد (۱۳۶۴)؛ تصحیح مهدی نوریان ، چاپ اول ، اصفهان : انتشارات کمال .
۱۱. دیوان ، منوچهری دامغانی ، ابوالقاسم احمد (۱۳۴۷)؛ تصحیح محمد دبیر سیاقی ، چاپ اول ، تهران : نشر زوار .
۱۲. دیوان ، ناصر خسرو قبادیانی (۱۳۸۴)؛ تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق ، چاپ ششم ، انتشارات دانشگاه تهران .
۱۳. رباعیات ، خیام نیشابوری (۱۳۵۲) ؛ تصحیح و تحشیه ی محمدعلی فروغی ، چاپ اول ، تهران : نشر اساطیر .
۱۴. زیبا شناسی سخن پارسی (بیان) کزّازی، میر جلال الدین (۱۳۷۵)؛ چاپ پنجم، انتشارات سعدی.
۱۵. سبک خراسانی در شعر فارسی، محبوب، محمد جعفر (۱۳۷۸)؛ چاپ چهارم، تهران: انتشارات فردوسی و جامی.
۱۶. شرح احوال شاعرانی بی دیوان (ابوحنیفه اسکافی) (۱۳۷۰)؛ تألیف محمود مدبری ، چاپ اول ، تهران: نشر پانوس.
۱۷. صورخیال در شعر شاعران سبک خراسانی، طالبیان، یحیی (۱۳۷۸)؛ چاپ اول، مؤسسه انتشاراتی عماد کرمانی.
۱۸. فرهنگ امثال سخن، انوری، حسن (۱۳۸۴)؛ چاپ سوم، تهران: انتشارات سخن.
۱۹. فرهنگ امثال و حکم، ضیاء، اسماعیل (۱۳۸۶)؛ چاپ دوم، نشر سخن.
۲۰. فرهنگنامه امثال و حکم ایرانی، خضرای، امین (۱۳۸۲)؛ چاپ دوم، شیراز: نوید.
۲۱. گرشاسب نامه ، اسدی طوسی (۱۳۱۷) ؛ به اهتمام حبیب یغمایی ، چاپ اول ، تهران .
۲۲. مثلهای فارسی، صادقی اصفهانی، میرزا صادق (۱۳۵۶)؛ ویراسته: صادق کیامهر، تهران: اندیشه نیک ش ۴ .
۲۳. نگاهی تازه به بدیع، شمیسا، سیروس (۱۳۸۶)؛ چاپ دوم، تهران، نشر میترا.
۲۴. ویس و رامین ، گرگانی ، فخرالدین اسعد (۱۳۱۴)؛ به تصحیح مجتبی مینوی ، چاپ اول ، تهران: هیرمند.